

## عناصر ادب عامه در آثار منیر و روانی پور

دکتر محمد جعفر پروین\*

دکتر سید علی سراج\*\*

### چکیده

ادبیات عامیانه یا فولکلور به آن دسته از ادبیات گفته می‌شود که بیشتر به گونه شفاهی از نسل‌های پیشین سینه به سینه به زمان ما رسیده است و در میان توده مردم رواج دارد. و این موضوعات، شامل گویش، آداب و رسوم زندگی محلی، اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های بومی است که فرهنگ اقوام مختلف را در طول تاریخ نگهداری و به دیگران معرفی می‌کند.

یکی از قالب‌های پرطرفدار ادبی در زبان فارسی داستان است. در این پژوهش ابتداتعریف و توضیح اجمالی درباره داستان و چگونگی پیوند آن با ادبیات عامیانه ارائه می‌گردد. متن و محتوای اصلی پژوهش مربوط به بررسی فولکلور یا ادب عامیانه در داستان‌های منیر و روانی پور است. که ایشان نویسنده ایست که او را با تبحرش در خلق فضاهای بومی منحصر به داستان‌هایش با استفاده از ویژگی‌های اقلیمی جنوب کشور می‌شناسند. جهانی سرشار از وهم و آکنده از زیبایی‌های نوشتاری که حاصل تردید بین دنیای زمینی و ماورای طبیعی است. با توجه به اینکه خانم روانی پور به عنوان یک داستان‌نویس در پیشانی زنان جنوب ایران قرار دارد، آثار ایشان با تکیه به کاربرد باورهای عامیانه مورد نقد و بررسی قرار گرفته است تا با این محک مردم پسند آزموده شوند.

**واژگان کلیدی:** فولکلور، ادبیات شفاهی، منیر و روانی پور

\* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی گرایش غنایی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج، ایران

Mohammad\_parvin@yahoo.com

ali\_seraj@gmail.com

\*\* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور گچساران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۱۵



## مقدمه

ادبیات سرگذشت پرفراز و نشیب زندگی جوامع بشری است که در قالب گوناگون، شعر، داستان، رمان، نمایشنامه، تئاتر، فیلم، سینما، نشریات، و... به نمایش درآمده هويت خویش را بر مخاطب خود آشکار می‌کند. زبان فارسی همچون سایر زبان‌های دنیا در طول عمر چند هزار ساله خود، چه در حوزه نظم و چه نثر، شاهد فراز و فرودهای بسیار بوده است. هنرمندان خلاق در عرصه‌های گوناگون این زبان با به کار بستن اندیشه‌های آرمانی و انسانی خویش و همچنین خلاقیت هنری خود، بر آند تا باز تاب زندگی اجتماعی، فردی فرهنگی و سیاسی و... مردمان عصر خویش را به تصویر بکشند و در لا به لای آن خواسته‌ها، افتخارات، دل‌تنگی‌ها، و... بشری را به نمایش می‌گذارند. شناخت ارزیابی و معرفی کیفیت آثار این گونه هنرمندان موجب لذت بیشتر خواننده و شکل‌گیری و ساخت جامع‌های بر پایه اندیشه خواسته‌های معقول بشری خواهد گردید.

در این میان داستان نویسان معاصر بر آند تا هر کدام با سبکی ویژه، حاصل تجربیات، اندیشه‌ها، باورها و اندوخته‌های خود را با خواننده‌ی خویش در میان بگذارند. چندگاهی است که با توجه به نتایج تحقیقات انجام گرفته در زمینه فرهنگ عامه، فولکوربه یک رشته علمی و دانشگاهی تبدیل شده است. این رشته در آمریکای شمالی و شماری از کشورهای دیگر در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد و همچنین در دوره‌های تخصصی تدریس می‌شود و به مطالعه و فرهنگ عامه می‌پردازد که در زبان فارسی می‌توان آن را (فرهنگ عامه شناسی) نامید. موضوع فولکورپر داختن به شیوه‌های رفتاری و باورهای سنتی هر جامعه است. در فرهنگ عامه، دانشی سنتی عبارتی است که این دانش را از دانش‌های دیگر متمایز می‌کند.

بطور کلی مجموعه اعمال و احساسات در حقیقت میراث مشترک زندگی اجتماعی یک گروه است که از نسل‌های گذشته به جامانده است. هر جامع‌های آداب و رسوم خود را به شیوه‌های نیکو و کاملاً جزیی می‌شناسد و پاره‌ای از آن‌ها را پسندیده یا ناپسندیده می‌داند. ادبیات عامیانه ارزش و اعتبار خود را بیشتر از پیوندی که با جامعه و واقعیت‌ها دارد اخذ می‌کند تا جنبه هنری و زیباشناسی. ادبیات عامیانه تعلق به عوام و توده مردم دارد که در این میان کمتر، لباس داستان‌ها کتابت به خود پوشانده است. این نوع ادبیات با زندگی مردم آمیخته است و جنبه تفننی و تجملی ندارد.



ادبیات عامیانه همگام با مقتضیات زمان و تغییر نسل‌ها تاثیر پذیری خود را بروز می‌دهد. داستان‌ها و افسانه‌ها جزء کهنترین آثاری است که از اندیشه و تخیل بشر به جای مانده است. بشر همواره افسانه‌ها را در حافظه خویش نگاه می‌داشت و سپس سینه به سینه به نسل‌های خویش می‌سپرد. (میر صادقی، ۱۳۸۲، ۱۲۱)

یکی از شاخه‌های فرهنگ عامیانه یا فولکلور، ادب عامه یا ادب شفاهی است که شامل قصه‌ها و افسانه‌ها، اسطوره‌ها، ترانه‌ها و تصنیف‌ها، بازی‌های منظوم یا مثال و حکم مثل‌ها و چیستان‌ها است که شفاها از فردی به فردی دیگر یا از نسلی به نسلی دیگر منتقل می‌شود. این مجموعه از مشترکات فرهنگی یک ملت و عامل پیوند آنان است. اگر افسانه و داستان قدیمی‌ترین اثر و کهن‌ترین تراوش دستگاه ذهنی بشر نباشد، باری در جزء کهن‌ترین آثاری است که از اندیشه و تخیل بشر بر جای مانده است. مسلماً پیش از آنکه بشروارد دوران تاریخی شود روایت‌های مهم زندگانی خویش را به یاری نقوش و علایم قابل رویت بر جای می‌گذارد، به مدتی دراز افسانه‌ها را در نهان خانه ضمیر و مخزن حافظه خویش نگاه می‌داشت و دهان به دهان و سینه به سینه به اخلاف خویش می‌سپرد. علت اصلی توجه فوق العاده آدمی به این محصول ذوق و ذهن خویش، ظاهراً این بوده است که بسیار زود به تاثیر شگرف آن در شنونده و شیفتگی مردم به شنیدن افسانه پی برد و دانست که می‌توان از آن به منزله‌ی سلاحی قاطع برای پیش برد مقاصد خویش استفاده کرد. فولکلور در تمام ابعاد زندگی بشر چه مادی و چه معنوی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و... تاثیر شگرفی دارد.

الف: زبان لهجه‌ها و زبان‌های بومی، مطالعه زبان‌های مختلف، لهجه، تبیین افکار فلسفی، مختصات زبان، اصطلاحات، مثل‌ها، تشبیهات، استعارات، زبان عوام،

ب: دانش عوام و علم توده به اشیاء و موجودات

ساختمان انسان: آفرینش انسان، آدم، تاریخ طبیعی انسان و...

سنگ‌شناسی و معادن: سنگ‌های قیمتی عقیق، الماس، فیروزه و خاصیت آنها

گیاه‌شناسی: گیاهان بته‌ها، درختچه‌ها، میوه‌ها، دانه‌ها و خاصیت آنها. (میهن دوست، ۴۳، ۱۳۸۰)



ادبیات عامیانه یاهمان فولکلوردرشاخه‌های مختلف نظم و نثرفارسی نمو دارد. در ادبیات معاصر، شاعران و نویسندگان ادب فارسی اعم از زن و مرد، درخلال آثار خویش درسطحی گسترده تر به بیان فرهنگ عامه پرداخته اند. که محمد علی جمالزاده (۱۲۷۰-۱۳۷۴، ه، ش) نخستین نویسنده ایرانی است که به کاربرد فرهنگ بومی و عامه در داستان علاقه نشان داد. اما او فرهنگ بومی را به گویش‌ها و اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های محلی منحصر کرده است، تاجایی که آثار وی گنجین‌های از تعابیر و اصطلاحات عامیانه محسوب می‌شود. (شیخ بهایی، ۱۳۸۲، ۷۸)

### زندگینامه و آثار روانی پور

از دیگر نویسندگان معاصر داستان نویس زن در ایران علاوه بر زنده یاد سیمین دانشور، برترین بانوی داستان نویس ایران، منیر و روانی پوردرمیان نویسندگان منحصر به فرد است. ایشان در ۲ مرداد ۱۳۳۳ در جفره در نزدیکی بوشهر متولد شده است و دوران کودکی و نوجوانی او در حفره و بوشهر سپری شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در بوشهر گذراند و از دانشگاه شیراز در رشته روانشناسی فارغ التحصیل شد. سپس به آمریکا رفت و از دانشگاه ایندیانا در رشته علوم تربیتی فوق لیسانس گرفت. و در سال ۱۳۶۰ به توصیه یکی از نزدیکانش داستان نویسی را به صورت جدی آغاز می‌کند. ایشان اول از همه اینکه، تن‌ها زن جنوبی از سواحل خلیج فارس و دریای عمان است که با وجود خیل مردان دست به قلم آن ناحیه، زود به شهرت رسید. دوم، برخلاف بیشتر جنوبی‌ها که رئالیسم سیاسی و سخت‌عینی را دستمایه‌ی کارشان قرار داده اند، رئالیسم او به شدت زیر چنبره تخیل است تا آنجا که آگاه آشکارا از رئالیسم دور می‌شود. او پیش از انتشار داستان‌هایش در محافل ادبی حضور می‌یابد. اما داستان‌های وی با عناوینی چون (ضعیف، سیاه) مورد بی‌مهری قرار می‌گیرد. روانی پور بعد از هفت سال تجربه حضور در محافل ادبی، در سال ۱۳۶۷، اولین مجموعه داستانی خود بنام (کنیزو) را منتشر کرد و با این مجموعه درخشیدند. و یک سال بعد اولین رمان خود، بنام (اهل غرق) را به چاپ رسانید. و آثار دیگر او عبارتند از مجموعه (داستان سنگ‌های شیطان) (۱۳۶۹)، رمان (دل فولاد)، مجموعه داستان (سیریا، سیریا) (۱۳۷۲)، رمان (کولی کنار آتش) (۱۳۷۸)، مجموعه داستان (زن فرودگاه فرانکفورت)، (۱۳۸۰) و مجموعه



(نازلی) (۱۳۸۱)، به علاوه چندین فیلمنامه و نمایشنامه و آثاری برای کودکان نوشته است. سیریا، سیریا که سومین مجموعه داستانی روانی پور است. از دیگر آثار او متفاوت است، او در این داستان‌ها نگاه نوعی به داستان‌ها و افسانه‌ها دارد، یکی از ویژگی‌های روانی پور سفر به نقاط دور دست است او از باورها برای افسانه و داستان‌ها پیش سود می‌برد. (یونسی، ۱۰۰، ۱۳۶۹)

نویسنده از کتاب (کولی کنار آتش) به بعد تصمیم می‌گیرد که فضاهای شهری رانیز در داستان‌هایش تجربه کند شخصیت اصلی این کتاب یک کولی است اما روایت‌های گاهی در شهر و گاهی در فضای روستا بر او اتفاق می‌افتد. روانی پور در این زمان تن‌ها به خیزش از شهر به روستا اکتفا نمی‌کند و می‌کوشد که شکل‌های جدید نوشتن را تجربه کند حضور نویسنده در متن، دم دستی‌ترین تمهیدی است که برای رسیدن به جهانی متفاوت اتخاذ می‌کند. بی‌شک نویسندگانی چون روانی پور، برآند که تا به شیوه و سبک ویژه خود حاصل تجربیات، و اندیشه‌ها، باورها و اندوخته‌های خود را با مخاطب خود در میان بگذارند. (روانی پور، ۱۲۸، ۱۳۷۹)

آنچه از مطالعه آثار روانی پور می‌توان درک کرد، این است که او در داستان‌هایش دغدغه استفاده از عناصر طبیعی و میل به قهرمان پروری در قالب شخصیت‌های زنانه را پی می‌گیرد. هر چند سبک و زبان نویسنده در طول سال‌ها تغییر می‌کند. دغدغه‌های او ثابت است: عناصر ویژه داستانی، طبیعت حاکم بر فضای داستان‌ها و نقش برجسته زن‌ها، از همان کتاب اول در داستان‌ها حضور دارند. شخصیت داستان‌های روانی پور ایستا نیستند و در خلال داستان‌های او در سال‌های متمادی متحول می‌شوند، البته تحول آنان چندان مثبت نیست چرا که در پایان داستان شخصیت‌های بیمارگونه اند. شخصیت‌های داستان‌های پایانی او اغلب قراردادی و از جهان خارج وارد داستان شده‌اند. (سلیمانی، ۹۶، ۱۳۸۳)

وقتی هویت اقوام مختلف را در فرهنگ‌های گوناگون مورد بررسی قرار می‌دهیم متوجه می‌شویم که دانسته‌های فرهنگی هر قوم تا حدود زیادی محصول پیشینه‌های نیاکان آنهاست بخش گسترده و تاثیرگذار هر جامعه توده مردم یا همان عوامی هستند که سرمایه‌های تاریخی و فرهنگی اسلاف خویش را پاس میدارند. نگهداری و نگهبانی از این سرمایه‌ها، بیشتر در قالب گفتار انجام می‌شود که مطلعین نام فولکور بر آن نهاده. یکی از شاخه‌های فرهنگ عامیانه یا فولکور، ادبیات شفاهی است



که شامل قصه‌ها، افسانه‌ها، اسطوره‌ها، ترانه‌ها، بازی‌های منظوم، و... است که شفاها از فردی به فرد دیگری از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. ادبیات عامه با واقعیت‌های زندگی مردم عادی پیوندی ناگسستگی دارد. محتوا و درون مایه آن نیز اغلب برداشت‌ها و تلقی‌های ساده و بی‌پیرایه اقوام ابتدایی و روستایی از زندگی و مرگ، جهان لاهوت و ناسوت، کاینات و طبیعت، آرزوها، تصویرمدینه فاضله انسانی او و... است. (میر صادقی، ۱۳۸، ۱۳۸۲)

باورها، افسانه‌ها، ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحاتی که در فرهنگ عامه رواج دارد بیانگر نوع بینش و نگرش آن جامعه‌اند. ادبیات شفاهی بخش مهمی از فولکلور است. فولکلور (folklore) که در زبان فارسی به فرهنگ مردم، فرهنگ عامه، دانش عوام، فرهنگ توده و... ترجمه شده است. نخستین بار توسط ویلیام جان تامز انگلیسی در سال (۱۸۴۶، میلادی) عنوان شد. از نظر وی این واژه ناظر بر پژوهش‌هایی بود که بایست در زمینه‌ی عادات، آداب، و مشاهدات، خرافات و ترانه‌هایی که از دوره‌های قدیم باقی مانده‌اند، صورت گرفت. (پراب، ۱۴۹، ۱۳۷۱). ادبیات عامه یا ادبیات توده یا فرهنگ عوام یا فولکلور در مقابل ادبیات رسمی است که مخلوق ذهن مردم با سواد و تحصیل کرده است. و مجموع‌های است شامل: ترانه‌ها، ضرب‌المثل‌ها، آیین ازدواج، عزاداری، صنایع دستی، اعتقادات عامیانه و... میباشد.

بیشتر مردم استان بوشهر به زبان فارسی و با گویش محلی بوشهری تکلم می‌کنند لهجه‌ها در روستاها بیشتر تنوع دارد. فارسی در این منطقه با گویش‌های بردستانی، دشتی، تنگستانی، و گویش کازرونی، و اچمی، گفتگو می‌شود. بسیاری از شهرها و روستاهای این استان چه آن‌ها که در کنار دریا واقع هستند و چه آنهایی که از آن فاصله دارند، در ارتباط محیطی با دریا هستند. به واسطه نقش بندری بیشتر نقاط این استان و ارتباط دایمی آن‌ها با سایر نقاط جهان، آداب و رسوم در این بخش از کناره خلیج فارس به جا مانده است که کمتر جایی از تاثیر و نفوذ آن‌ها برکنار مانده است. گرما و رطوبت زیاد و بارندگی اندک در این منطقه سبب به وجود آمدن آیین‌های کم نظیری شده است که از آن‌ها جمله می‌توان به (کوسه گلین) که اشاره به رسم باران خواهی دارد، (کوسه به معنای فردی است که در ظاهر موی سر و صورت نداشته و گلین نیز به معنی گل آلود بودن یا گل آلود کردن است)، (ساروج کوبی) و رقص ماهیگیران، اشاره کرد. آیین‌های مربوط



به رقص ماهیگیران تقریباً در سرتاسر جهان اتفاق می‌افتد ولی آنچه در بوشهر صورت می‌گیرد برگرفته از تاریخ زندگی پر درد و رنجشان است. (اردکانیان، ۶۴، ۱۳۸۳)

### آداب و رسوم مربوط به ازدواج

جشن‌های ازدواج در استان بوشهر دارای آداب و آیین‌های خاص خود است. چند نفر از افراد ریش سفید خانواده داماد پیش پدر عروس می‌آیند و بدین ترتیب شرایط نهایی طرفین مطرح می‌شود. در این نشست مهریه حاضر و غایب تعیین می‌شود. در گذشته‌ها مهریه پوست پیاز و یابال پشه تعیین می‌شد. چون امکان جمع آوری این اقلام غیرممکن بود، بدین طریق طلاق غیرممکن بود.

رخت برون: به مراسم بردن لباس عروس از طرف خانواده داماد به خانه عروس و نیز به مراسم بریدن پارچه لباس عروس و داماد رخت برون می‌گویند. در گذشته لباس‌ها را در سینی چیده و روی آنرا روسری سبزی می‌کشیده‌اند. و در بعضی مناطق مثل بندر دیلم لباس داماد رانیز از خانه عروس طی مراسمی به خانه داماد می‌برند و به این کار (تشریف) می‌گویند. دعوت از مردم برای شرکت در عروسی توسط دلاک انجام می‌شد.

### حنابندان

رسم دیگری است که معمولاً یک شب قبل از عروسی انجام می‌دهند. سلمانی محل دست و پای داماد را در منزل وی حنا میندد و بایک پارچه سبز رنگ می‌بندد. در همان ساعت، سلمانی زن در منزل عروس دست و پای عروس را حنا می‌بندد.

پا اندازون: در قدیم عروس را با اسب به خانه داماد می‌آوردند و عروس تا هدیه‌های نمی‌گرفت از اسب پیاده نمی‌شد که به این رسم پا اندازون می‌گفتند. (اردکانیان، ۶۵، ۱۳۸۳)

یزله: برگزاری این رسم در مجلس‌های شادی و یا عزا هر دو رواج دارد. در وهله شادی، شادی کنان، رقص، می‌کنند و کف می‌زنند. یک تن سر خوان می‌شود و در جمع نشسته و یا ایستاده



همسرایان همخوانی می‌کنند و آنان پسرخ می‌دهند..... این رسم در مرحله عزا داری، سوگواری، یا شعر خوانی و سینه‌زنی نشسته و یا ایستاده برگزار می‌گردد. (یزله، فرهنگ و آداب و رسوم بوشهر) مروا: (مروا تون همه سال) اصطلاحی است در ردیف (صد سال به این سالها)، که هنگام شرکت در مراسم مذهبی می‌گویند. و مفهوم آن این است که هر سال زنده باشی در این مراسم خدمت کنی و شاهد جنین روزی باشی.

آب روی طلا: این رسم در جنوب بسیار رایج است. معمولاً اگر کسی بترسد آب روی طلا می‌ریزند و به او می‌دهند تا آرام شود. منیر و روانی‌پور، داستان نویس بوشهر در مجموعه داستان خود (کنیزو) چنین از این رسم استفاده می‌کند. (مادر مهربان بود. به پیشانی‌ش دست کشیده بلندش کرد ولیوانی را به دستش داد. (بخور آب رو طلا). (روانی‌پور، ۱۳۴، ۱۳۶۹)

### عزاداری زنان بوشهر

مطربه: یک دسته کنیزان آزاد شده باشند، تقریباً پانزده نفر شوند و آلات طربشان دایره‌ای است و حلقه دار در اعیاد و عروسی دعوت شده و گاهی بی دعوت روند و دایره وار نشسته و تغنی کرده و انعام یابند. در پرسه محترمین هم روند و سرود واژگونه خوانند. (شریفیان، فرهنگ و آداب و رسوم بوشهر)

### صنایع دستی

صنایع دستی از دیر باز در میان مردم استان بوشهر رایج بوده است. شیوه معیشت وجود منابع و مواد اولیه مورد نیاز مانند، پشم موی دامهای اهلی، برگ و الیاف، درخت خرما، صدف و گوشواره‌های دریایی و خاک رس سبب شده تا مردم به دلیل کوتاه بودن فصل کشاورزی با استفاده از این صنایع به تولید کالاهایی مانند لنج سازی، تور گرگور بافی، گبه، قالی، گلیم،.... پردازند که علاوه بر رفع نیاز خود بخشی از آن را در بازار به فروش می‌رسانند.





ضرب المثلهای ضرب المثلها جملاتی کوتاه، نغز، حکمت آمیز و سرشار از معانی بلندی است که ماحصل اندیشه‌ها و اندوخته‌های فکری و معنوی یک قوم در طول تاریخ محسوب می‌شود ما نند، (دخت بی ثمر گ هم بلندن). (شریفیان، فرهنگ و آداب و رسوم بوشهر).

اپل تشی: سنگ درمانی در فرهنگ عامه جایگاه خاصی دارد. این سنگهای زیبا و شگفت با رنگ‌های جور و اجور از زرد تا خاکستری در اشکال و اندازه‌های مختلف دیده می‌شوند. اپل تشی، در فرهنگ مردم جنوب برای مداوای بیماری‌های خاص کاربرد دارد. اپل تشی، گویا خود نوعی بیماری است که با تا ول‌های قرمز رنگی که بیشتر روی پوست بدن کودکان ظاهر می‌شود همراه است. در رمان (کولی کنا ر آتش) درباره این مهره می‌خوانیم، (این اپل تشی، این شوتو، این مخصوص زردیون، این برای درمان باباقوریه). (احمدی ریشهری، ۱۳۸۰).

هرچند در شماری از آثار مهم ادبی به صورت اجمالی از فرهنگ عامیانه سخن به میان آمده است اما در قیاس با عصر حاضر ناچیزی می‌نماید. در ادبیات معاصر، شاعران و نویسندگان ادب فارسی اعم از زن و مرد، در خلال آثار خویش در سطحی گسترده تراز پیش به بیان فرهنگ عامه پرداخته‌اند. در میان نویسندگان معاصر داستان نویس، علاوه بر زنده یاد سیمین دانشور، برترین بانوی داستان نویس، ایران زنانی همانند منبر و روانی پور آرمان‌ها، خواسته‌ها و دردهای خود و دیگر هم قطاران خویش را در آثار داستانی به نمایش گذاشتند. (رستگار فسایی، ، ۱۳۷۳، ۷۳)

روانی پور از حوزه بوشهر برخاسته است، حامل و ناقل یک فرهنگ بکر سنتی است. بکر بودن سنت و حضور مردم در آثار ایشان مشهود است.

برای بررسی سیر داستان نویسی روان پور، نه داستان مجموعه (کنیزو) دسته بندی خوبی را به ما پیشنهاد می‌کند و می‌تواند ملاک این بررسی قرار گیرند تا کلیتی از این روند، به صورت شاخه‌های مختلف تن‌های واحد، قابل دست یابی شود. منبر و گرچه سالهاست که دیگر در آبادی (جفره) زندگی نمی‌کند، با این وجود آداب و رسوم و حتی خرافات آن جا را در ذهن دارد. گرچه گذشت زمان و تحولات روحی نویسنده باعث شده در آثار جدیدش تحولی عمیق ایجاد شود. اولین مجموعه داستانی او (کنیزو) در سه داستان با نام‌های (کنیزو، شب بلند، آبی) با عناصر تکرار شونده مهمی مثل دریا، افسانه‌های مربوط به آن، طلسمها، پریان دریایی، ماهیگیران و زنان بومی، در رمان



(اهل غرق) کامل می‌شوند و در بعضی داستان‌های مجموعه (سیریا، سیریا) از زاویه دیگری و با نگاهی متفاوت ادامه، پیدا می‌کند. مثلاً در داستان (دی یعقوب) نگاه نویسنده به اعتقادات عجیب بومی‌ها انتقادی است، در حالی که رمان (اهل غرق) نگاه پذیرنده و طبیعی تری به ماجرا دارد. شاید روانی‌پور در فاصله سال‌های (۱۳۶۷ تا ۱۳۷۲)، از فاصله دورتر و شهری تری به منظر قبلی چشم دوخته و جنبه جادویی جفره برایش کمی رنگ باخته است. عناصر داستان‌های اول، مثل خاطره دوری در این داستان‌ها حضور دارند حس نوستالژیک حاکم بر فضای این داستان‌ها به خاطر دوری راوی از اصل خویش، تا داستان‌های مجموعه (زن فرودگاه فرانکفورت) ادامه پیدا می‌کند. (کنیزو) مدل خوبی برای بررسی روند تغییرات آثار اوست. (اهل غرق) با فضا سازی قوی، ارائه تصاویر زیبا و به یاد ماندنی و زبان خاص خود، به شکل کامل ویژگی‌های داستان گویی روانی‌پور را در خود دارد.

### قصه گویی

نسل سوم نویسندگان ماقصه گوهای بهتری بودند. نقش قصه گویی بامدرن تر شدن فضای داستان‌ها اهمیت یافتن فرم و تکنیک‌های داستان نویسی کم رنگ تر شده است. روانی‌پور با (اهل غرق) خود را به عنوان قصه گویی موفق مطرح می‌کند، رمانی که قصه رکن اصلی است و بقیه چیزها در خدمت به ثمر رسیدن آن هستند.

### زبان

زبان روانی‌پور به خصوص در داستان‌های مربوط به جنوب، ویژگی‌های خودش را پیدا می‌کند و اگر کا نش مشخص می‌شود زبان داستان‌های او با توجه به تغییر در درونمایه و زمینه، در کارهای بعدی اش متفاوت می‌شود در داستان‌های (نازلی) و (زن فرودگاه فرانکفورت) زبان در زمینه شهری داستان به نثر روان و ساده تبدیل می‌شود و از خصوصیات زبان محلی فاصله می‌گیرد.



### طبیعت

طبیعت در (اهل غرق) و داستان های مربوط به دریا بیشترین سهم را در فضا سازی و ایجاد اعتقادات و باورهای ذهنی مردم دارد. در واقع آدم ها جزء تفکیک ناپذیر طبیعت هستند هر چند گاهگاه با یکدیگر سر ناسازگاری دارند اما زبان یکدیگر را می فهمند و با شیوه های مخصوص به خود با هم ارتباط برقرار میکنند. برقراری ارتباط به وسیله دریاها و حفظ فاصله شان با او شاید به مراتب ساده تر از ارتباط با عناصر مدرن دنیای جدید باشد، دنیایی که دیگر آدم ها را با خودش کل یکپارچه های نمی داند. (حمیدی، ۱۳۸۰، ۱۱۲).

### موتیف های تکرار شونده

استفاده از عناصر داستانی خاصی مثل آینه ها، راننده ها، رنگ های گرم زرد، نارنجی لیمویی، زیتونی، خواهران چندگانه و.... با فاصله زمانی زیاد، نشانه علایق و دل مشغولی های ثابت نویسنده هستند و با تکرارشان در داستان های مختلف، معنایی بیش از خودشکلی نمادین پیدا می کند.

### آینه ها

آینه در داستان (طاووس های زرد) با تکرار تصویر فانوس برای زن های آبادی، از استفاده معمول خود خارج می شود و به عنوان شی ای جادویی در (اهل غرق) تکرار می شود. زن نویسنده در (پرشنگ) آینه مدوری دارد و افسانه در (دل فولاد) آینه مدوری برای پیرزن صاحبخانه اش می خورد. اسم قهرمان (کولی کنار آتش) آینه است و در داستان های (چندمین هزارویکشب) و چهارمین نفر از مجموعه (سیریا، سیریا) آینه نقش مهمی به عهده دارد.

از دیگر عناصر داستانی خاص و تکرار شونده در آثار روانی پور زن های نقاش پیراهن بلند نارنجی، چشم های لیمویی، در تازه رنگ شده آبی، رقص و..... از دیگر عناصری هستند که در داستان ها تکرار شده اند و قابل تاملند. و بلاخره نویسنده در آثار قبلی خود به جهان قصه دل بستگی بیشتری داشت همان طور که به زندگی روستایی و زن های ابتدایی، داستان های اخیرش پایش را روی زمین سفت جهان واقع گذاشته است. دررمان (دل فولاد) جهان قصه افسانه سربلند، با تاریخ واقعی



متفاوت است. افسانه دلاورزن در آن طوری میسازد که دوست داردنه آنگونه که تاریخ روایتش می کند و او را به شکل درویشی کشکول به دست تصویر می کند. اما (زن فرودگاه فرانکفورت) در جهان واقع، بین اتفاقات تاریخی و آدم های شناسنامه، گرفتار شده است. چه این تغییرات باسلیقه و مزاج خواننده هایش هماهنگ باشد یا نه، از نویسندگانی که از یکجانشینی و تکرار و ایستایی گریزان است و داستان های کولی وارث از غبه (دورترین جای دریا) تا فرانکفورت نوشته شده اند. نباید انتظار داشت که خودش را در داستان هایش تکرار کند و پیرشود. اکنون به برخی از عناصر فرهنگی موثر در زندگی مردم جنوب در داستان های منیرو روانی پور اشاره می کند.

تولید نسل از دیرباز در نزد ایرانیان دارای اهمیت بوده و به گفته زرتشت پیامبران ایران، کاشتن درخت کشت مزرعه و تولید فرزندان سه کردار شایسته هستند. (سالاری، ۱۳۸۹، ۱۳۴). بر همین اساس است که مهمترین هدف تشکیل خانواده نزد عموم ایرانیان چه در زندگی واقعی و چه در جامعه داستانی مورد بررسی، تولید مثل و بقای نسل است و انعکاس این باور در اصطلاحاتی از جمله اجاق کور، بچه یکی یک دانه یا خل میشه یا دیوانه..... آشکاراست و در ادبیات داستانی تاثیری که این باورها بر زندگی مردم دارد به تصویر کشیده شده است که گویی بی فرزندی از بزرگترین گناهان عالم و ناتوان آدم است. (دانشور، ۱۰۲، ۱۳۸۰)

### اجاق کور

اصطلاح اجاق کور، که بارها در آثار این نویسندگان تکرار شده است. اهمیت فرزند را در زندگی ایرانیان نشان می دهد و تاثیر سوء نبود فرزند را در زندگی شخصیت های ایرانیان نشان می دهد و تاثیر سوء نبود فرزند بر زندگی شخصیت های داستان ها آشکاراست. به عنوان مثال زن ها برای رهایی از این مشکل به کارهایی غیرعقلانی مثل جادو و دعا و طب عامه روی می آورند که نمونه آن در (اهل غرق) روانی پور، (بوبونی) زنی نازا میترسد که در عمق آب ها برای پریان تعریف کند که اجاقش کور است و هیچ طلسمی به دادش نمی رسد. (روانی پور، ۱۳۱، ۱۳۸۳)



در کولی (کنار آتش) آینه به یاد می آورد که در شهر مادرش برای زنی فال می گیرد: (زن سرانجام کف دستش را رو به مادرم گرفته بود، چه چیز مگر کم داشت که می خواست فردایش را بداند مردم قبیله ساکن چه چیز کم داشتند. (روانی پور، ۱۳۲، ۱۳۸۳)

## آل

موجودی افسان‌های به شکل زنی سرخ مویا بینی گلی و دست و پای استخوانی که گویند به سراغ زن تازه زاییده آید و جگر او را رباید و باعث مرگش شود. (نجفی، ۱۳۸۷). در زبان مردم بوشهر (آل) را (یال) تلفظ می کنند و این باور در رمان (اهل غرق) منبر و روانی پور منعکس شده است: زیرا غلام قبلا در خورجنی از زنی که چشمانش مثل خرننگ آتش بود سیلی خورد او همان (یال) جن دریایی بود که به دنبال جگر زن زائو در کوزه‌ها بو می کشید و جگر زنان را به بوسلمه می دهد و زیرا غلام بعدها که دید (یال) جگر زنش را می برد و زنش سر زارفت دانست که یال دیگر با او کاری ندارد. (روانی پور، ۱۳۸۳، ۱۱۳) در آثار مورد بررسی با آن که حوادث در عصر تمدن ماشینی رخ می دهد، ولی باز هم قصه‌ها در زندگی کودکان موثر هستند.

اما با توجه به شخصیت‌های متفاوت نویسندگان به صورت‌های متفاوتی منعکس می شوند. مثلا دانشور و روانی پور قصه‌هایی برای شخصیت‌های کودک داستان هایشان باز گو می کنند که اغلب این قصه‌ها نقابی هستند بر اندیشه سیاسی نویسندگان که نمی خواهد به طور صریح آنرا بیان کند و حتی فرا تر از آن روانی پور ضرورت امروزی کردن این قصه‌ها را تشخیص داده و به صورت جدا گانه مبادرت به بازسازی قصه‌های کودکان کرده که (زیباترین ستاره جهان) و (کدو قلقله زن) حاصل این تلاش است. روانی پور از افسانه‌های مردم بوشهر به طور غیر مستقیم در آثارش استفاده کرده است به طوری که زیر بنای رمان اهل غرق، افسانه است. از افسانه‌هایی که پری و انسان با هم آمیزش می کنند و فرزندان افسان‌های بوجود می آورند و در این رمان مه جمال قهرمان داستان حاصل پیوند یک پری دریایی (مادر) و انسان است. در استان بوشهر این جور قصه‌ها فراوانند.



در رمان (کولی کنار آتش) به داستان (ماه پیشانی) اشاره می‌کند: نویسنده صورتش را زیر کاسه‌ی آسمان می‌گیرد و می‌گوید (دخترک ماه پیشانی کجایی؟) (روانی‌پور، ۱۳۸۶). روانی‌پور همچنین در (کولی کنار آتش) به موضوع جمع‌آوری ادبیات عامیانه به وسیله پژوهشگرانی اشاره می‌کند که در دهه ۳۰ \_ ۵۰، به میان قبایلی رفت و آمد داشتند، در این زمان (مانس) (یکی از شخصیت‌های رمان و به معنای میهمان در لهجه بوشهری) در میان قبیله کولی به دنبال جمع‌آوری قصه‌ها و متل‌هاست. و برای این موضوع پول خرج می‌کند و (آینه) شخصیت اول رمان، با خود فکر می‌کند کدام قصه را برای او تعریف کند، آن که می‌گوید: چاق همیشه، چله همیشه به لقمه خامش می‌کنم به دفعه تمامش می‌کنم یا قصه دختری که سرش را بریدند و خوش راروی زمین ریخت و نیزاری از آن بر آمد و چو پانی که از آنجا می‌گذاشت نی را برید و برد تا قصه او را دهان به دهان همه جا بگوید. (روانی‌پور، ۱۳۸۶، ۸۳). قصه اول مورد اشاره، به همان قصه‌ی (کد و قلقله زن) است که وقتی حیوانات می‌خواهند پیرزن را بخورند، او حیوانات را می‌فریبد و می‌گوید الان که لاغرم بگذارید چاق شوم بعد مرا بخورید. (مهتدی، ۱۳۸۷).

و قصه دوم مورد نظر (آینه) قصه (دختر نارنج و ترنج) است.

که دانشور هم از استفاده کرده است و در این قصه کهن، دختری با دسیسه می‌کشند و از خون او نی یا درختی می‌روید. (مهتدی، ۹۶۷، ۱۳۸). روانی‌پور، با مهارت، این هر دو قصه را با سرگذشت (آینه) دختر کولی رمان، پیوند می‌زند، زیرا آینه هم در واقع لقمه خامی است که توسط مانس، فریفته گشته و به نوعی بلعیده می‌شود. با رفتن مانس و طرد شدن (آینه) از قبیله، قصه و سرگذشت او به عنوان دختری کولی تمام می‌شود و قصه‌های هم که دهان به دهان گفته می‌شود، سرگذشت همین دختر کولی است که در پایان داستان می‌آید و هرکسی آن را طوری روایت می‌کرده است و با آینه‌ای) که نویسنده ساخته است، سرنوشت متفاوتی دارد و در پایان داستان هنگامی که (آینه) رمان به عنوان شخصیتی نقاش در راه برگشت به قبیله، مشغول مباحثه با راننده است، خواننده متوجه می‌شود که دو شخصیت با نام (آینه) در این رمان وجود دارد.

یکی (آینه) نقاش که مخلوق نویسنده و برخاسته از اندیشه فمینیستی اوست و یکی (آینه) به عنوان دختری کولی که سرگذشتی غم‌انگیز داشته و نویسنده هم در اوایل رمان بامیان قسمتی از قصه



نارنج و ترنج از زبان خود این دختر به صورت ضمنی و تمهید گونه، به اشارهای به سرگذشت واقعی او کرده بوده است. (روانی پور، ۱۴۲، ۱۳۸۶). اما کار مهم تر روانی پور در مورد فابل و قصه های کودکان در امروزی کردن افسانه های کهن است. که در مجله کتاب ماه (کودک و نوجوان) درباره دو کتاب این نویسنده به نام های (کدو و قلقله زن) و (زیباترین ستاره جهان) که از افسانه های کهن هستند بحث شده است. روانی پور با تغییراتی بنیادین در ساخت و روایت شکلی امروز به آن ها داده است.

روانی پور در امروزی کردن افسانه های گامی مهم برداشته است. او در افسانه کهن کدو و قلقله زن که در آن کنشی یکسان (برخورد با حیواناتی چون گرگ شیر و پلنگ و دیالوگ های یکسانی) (کدو قلقله زن ندیدی یک پیرزن؟) تکرار می شود و گفته می شود که در افسانه (کدو و قلقله زن) کودک می آموزد که در هنگام برخورد با مشکلات از شگردها و ترفندهای زبانی و غیر زبانی برای رهایی خود سود ببرد، روانی پور با او وارد کردن عناصر و تدابیر هنری مطابق با کودک عصر جدید به این افسانه کهن رنگ و بوی تازه می دهد. مثلا در افسانه کهن پیرزن به شیر و گرگ و پلنگ می گوید، بگذارید، چاق و چله شوم بعد مرا بخورید اما در افسانه جدید پیرزن پدیده جذابی مثل قصه گویی برای بچه ها را بهانه می کند و می گوید من باید بروم و برای بچه ها قصه بگویم و اگر نروم بچه ها می فهمند و شکم شما رو پاره می کنند تا مرا بیرون بیاورند. (کاندی، ۱۳۲، ۱۳۸۱).

روانی پور با وجود آنکه شخصیت های کودک در داستان هایش فراوان هستند و بازی های محلی بوشهر نیز بسیار متنوع و زیاد است، اما تن ها به بازی قایم باشک بازی و مارمولک ها اشاره می کند. عدم توجه روانی پور به نام و نوع بازی ها بدین دلیل است که در داستان های او باورهای خرافی بر بازی های کودکان هم سایه افکنده است و نویسنده با توجه به حجیم نبودن آثارش بیشتر سعی دارد نقش این باورها را در کارکرد مردم نشان دهد.

از جمله در داستان (دی یگوب) به نقش مخرب این باورها و تاثیر آن بر زندگی و بازی و کودکان اشاره می کند و داستان را از زاویه دید کودک بیان می کند که بسیار تاثیر گذار است، راوی داستان می گوید که ما همیشه بازی می کردیم و ترانه می خواندیم چون باد پیرزن به موقع می آمد. وقتی باد پیرزن نوزد کسی نباید خوشحالی کند و با بچه های دیگر زیر درخت گل ابریشم



بازی و خوشحالی نمی‌کنیم چون ممکن است درخت گل ابریشم به ساکنان بد دریا بگوید که هنوز دلشان خوش است بچه‌ها می‌گویند چه کسی روضه بلد است تا بنشینیم و گریه کنیم. (روانی‌پور، ۱۳۷۲، ۱۱۷). حضور موجودات نا شناخته مثل جن، دیو، غول، بختک و پری و... در آثار نویسندگان جنوب دارای زمینه‌های اجتماعی است که باید به آن‌ها توجه داشت. وقتی آدم امیدش از زمین قطع می‌شد به ما وراالطبیعه روی می‌آورد، برای آنکه زندگیش بگذرد، در جنوب ایران چون پز شک و دارو کم بود و بیماری فراوان، ناچار باید بجایی پناه می‌بردند. عده‌ای برای دعا به امامزاده‌ها می‌رفتند و عده‌ای هم به جن‌گیرها متوسل می‌شدند.

مردم معمولاً بیماری روح را خبیث یا جنی می‌دانستند که در تن آن‌ها وارد شده است و در این گونه اعتقادات که بیشتر تصور است و توهمات و خرافه آلود و اندیشه‌های ابتدایی و ناآگاه از ساز و کار فعالیت پدیده‌های طبیعی انعکاس یافته است و بر اساس این اعتقادات است که وقتی ماهیگیری در دریا غرق می‌شود، مردم بومی تصور می‌کنند یکی از پریان دریایی عاشق او شده و حاکم دریا نیز او را از بازگشت به خشکی باز داشته است. (شیری، ۲۱۴، ۱۳۷۸). در داستان (آبی‌ها) این باورها بر کودک راوی داستان تاثیر گذار بوده و او را با تلفیق باورهای که درباره طلسم‌ها و وجود پریان دریایی شنیده است و باتکیه بر این باور که برخی از این پری‌ها عاشق آدم‌ها می‌شوند و پای زنان راقرض می‌گیرند و به دنبال معشوقشان می‌گردند، می‌گوید که پری دریایی عاشق شب‌های مهتابی پیدایش می‌شود، و زنان باید به او کمک کنند تا معشوقش را بیابد، زنان باید آدمک‌های آهنی به پری دریایی بدهند و او، آن‌ها را زیر آتش در دریا قرار دهد تا معشوقش را پیدا کند. (روانی‌پور، ۱۱۴، ۱۳۶۹).

داستان (دی یعگوب) داستان مردی است که اسیر رزق دریایی و باورهای مخرب هستند، اسیر بادی به نام (با دپیرزن) که اگر به موقع نوزد و چند پیررانکشد، معنایش این است که ساکنان بد دریا آن را در دریا گیرانداخته اند تا به جان ماهی‌گیران بیندازند پس تا این بادنوزد، هیچ صیادی نباید، دریا برود و جسم و جان مردم چنین دیاری با این باورها پرورش یافته است نه با ماهی دریایی، چراکه ممکن است ساکنان بد دریا به شکل ماهی درآیند چنین هنگامی آن‌ها را خورد و در این مواقع مردم، به خصوص کودکان، نباید شادمانی کنند، بلکه باید روضه بخوانند و گریه





کنند تا ساکنان بد دریا بدانند که آن‌ها غمگین هستند. (روانی‌پور، ۱۳۷۲، ۹۹). نویسنده در این داستان از زاویه دید بسیار مناسبی که از زاویه دید مردم است استفاده می‌کند و می‌توان گفت که مراد از باد پیرزن با ورهای خرافی کهن است که به شدت پیر و فرتوت شده اند و باعث ویرانی زندگی مردم هستند و مردم آرزوی مرگ چنین باورهایی را دارد. آنجا که می‌گوید: آخر شاید باد پیرزن مرده باشد مگر یک باد آن هم باد پیرزن چقدر عمر می‌کند.

### نتیجه‌گیری

شیوه انعکاس فرهنگ مردم در آثار روانی‌پور با توجه به خصوصیات فردی آن‌ها متفاوت است. و نویسنده در بیان اندیشه‌های سیاسی، اجتماعی و..... خود از فرهنگ مردم سود برده است. در آثار روانی‌پور کاربرد عناصر فرهنگ عامه تقریباً در تمام آثار او پراکنده است. وی شناخت عمیقی از فرهنگ مردم زادگاهش دارد و می‌کوشد تا توجه خواننده را به جنبه هنری، ادبی، و ملی برخی مو لفه‌های فرهنگ مثل آیین‌ها، هنرهای عامه، قصه‌ها، ترانه‌ها جلب کند. تصویر ارائه شده از این باورها در نهایت زیبا و همراه با حس مطلوب نوستالژی است. روانی‌پور در تمامی آثار خویش، توانسته است با به کارگیری ادبیات عامیانه و ابعاد و عناصر مختلف فولکور، فرهنگ قوم خاصی را زنده نگه دارد. و نثر داستانی او سرشار از مواد جامعه‌شناختی، و فرهنگ بومی منطقه بوشهر است و با در نظر گرفتن جایگاه وی در اعتلاء و تعمیق رمان نویسی و اهمیت آثارش از لحاظ ادبیات عامیانه، براحتی می‌توان میراث فرهنگی، زبانی، فکری و هنری و ادبی موجود در نوشته‌های او را شناسایی کرد و به عنوان گنجین‌های از ادبیات عامیانه محفوظ نگاه داشت.

### فهرست منابع

- اردکانیان، عباس، (۱۳۸۳) راهنمای گردشگری استان بوشهر، نشر برای فردا
- پراپ، ولادیمیر، ریشه‌های تاریخی قصه‌های پریان، ترجمه فریدون بدره‌ای، انتشارات توس، (۱۳۷۱)
- ثروت، منصور و انزابی نژاد، رضا، (۱۳۷۷)، فرهنگ معاصر، انتشارات سخن، تهران



- حمیدی، سید جعفر، (۱۳۸۰)، بوشهر نامه، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- دانشور، سیمین، (۱۳۸۰)، جزیره سرگردانی، ج ۱، تهران، خوارزمی
- روانی پور، منیرو، (۱۳۶۹)، کنیزو، تهران، نیلوفر
- روانی پور، منیرو، (۱۳۷۲)، سیریا، سیریا، تهران، نی
- روانی پور، منیرو، (۱۳۸۳)، اهل غرق، تهران نشر قصه
- روانی پور، منیزو، (۱۳۸۶)، کولی کنار آتش، تهران، مرکز
- روح الامینی، محمود، (۱۳۶۴)، گرد شهر با چراغ، چاپ دوم، انتشارات زمان، تهران
- رستگار فسایی، منصور، (۱۳۷۳)، انواع شعر فارسی، انتشارات نوید شیراز
- سالاری، مهشید، (۱۳۸۹)، مردم شناسی ایران، تهران، نشر آفرینش
- سلیمانی، محسن، (۱۳۸۳)، فن داستان نویسی، تهران، نشر امیر کبیر
- شیرینی، قهرمان، (۱۳۸۷)، مکتب های داستان نویسی در ایران، نشر چشمه
- شیخ رضایی، حسین، (۱۳۸۲)، نقد و تحلیل و گزیده داستان های جلال آل احمد، چاپ دوم، نشر روزگار
- شریفیان، محسن، فرهنگ و آداب و رسوم بوشهر
- کائدی، شهره، (۱۳۸۱)، امروزی کردن افسانه های کهن، کتاب ماه کودک و نوجوان، شماره ۶۱
- مهتدی (صبحی)، فضل الله، (۱۳۸۸)، قصه های صبحی مهتدی: معین
- مجتبی پور، محسن، استبداد ذهنی، نگاهی به دو مجموعه داستان زن در فرود گاه فرانکفورت و نازلی، سایت والس
- میهن دوست، محسن، (۱۳۸۰)، پژوهش عمومی فرهنگ عامه، تهران، توس، چاپ اول
- میرصادقی، جمال، (۱۳۸۳)، ادبیات داستانی، انتشارات علمی،
- نجفی، ابوالحسن، (۱۳۸۷)، فرهنگ اصطلاحات عامیانه، تهران، نیلوفر
- یونسی، ابراهیم، (۱۳۶۹)، هنر داستان نویسی، تهران، نشر نگاه